

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: وبلاگ کرادله، ۶ جولای ۲۰۲۲*
نویسنده: خبرنگار فلسطین وبلاگ کرادله
برگردان: سایت «۱۰ مهر»
۳۱ جولای ۲۰۲۲

تکت برگشت حماس به دمشق ارزان نخواهد بود

روابط پیچیده جنبش مقاومت فلسطین با سوریه به سمت بازسازی پیش می‌رود، اما مطابق شرایط آنها نخواهد بود.



علی رغم گزارش‌های هیجان‌انگیز رسانه‌ها از نزدیکی حماس و سوریه، هنوز چیزی نهائی نشده است: جنبش مقاومت فلسطین هنوز بسیاری از مسایل را باید روشن سازد.

در ۲۱ جون، دو منبع ناشناس حماس به رویترز گفتند که جنبش مقاومت فلسطین پس از یک دهه شکاف در رابطه با سوریه که در اثر ابراز حمایت حماس از مخالفان سوری ایجاد شده بود، تصمیم به احیای روابط با دمشق گرفته است. این خبر جنجالی به پا کرد و به نظر می‌رسد که شاید هدف از افشای آن نیز همین بوده باشد. اندکی پس از این گزارش، ده‌ها وب‌سایت، کانال ماهواره‌ای و مفسران رسانه‌ای در ترکیه، قطر و بریتانیا که به اخوان المسلمین – گروه اسلام‌گرای سیاسی که حماس از نظر ایدئولوژیک به آن وابسته است – تعلق خاطر دارند، از حماس فاصله گرفتند که البته این گزارش‌ها نه تأیید و نه تکذیب شده است.

اما اظهارات اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس نیز بر این ادعاها افزوده است. هنیه در سخنرانی پیش از کنفرانس ملی اسلامی در بیروت در ۲۵ جون گفت: پس از ده سال زمان آن فرارسیده است تا در بین امت اسلامی آشتی تاریخی ایجاد گردد. وی افزود: آنچه امروز در منطقه اتفاق می‌افتد بسیار خطرناک است زیرا اسرائیل از طریق اتحادهای نظامی و امنیتی راه را برای مبارزه با ایران، حزب‌الله و حماس هموار می‌کند. بنابراین باید دید که گزارش‌ها

در مورد دیدارهای محرمانه «خبرساز» بین حماس و سوری‌ها چقدر دقیق است؟ آیا ارتباطی بین سفر هنیه به بیروت و زمان این افشاگری‌ها وجود دارد؟

میراث سنگین خالد مشعل

زمانی که حماس بیش از یک دهه پیش سوریه را ترک کرد، دفتر خالد مشعل، که در آن زمان رئیس دفتر سیاسی جنبش بود، این تصمیم را ناشی از «موضوعات اخلاقی» توجیه کرد. آنها مدعی شدند که جنبش حماس در تصمیم‌گیری مردم برای این که چه کسی بر آنها حکومت کند، در کنار آنان می‌ایستد و گفتند: «حتی اگر حاکم از حق ما حمایت کند، ما از دروغ او حمایت نخواهیم کرد». این در درون جنبش بازتاب یافت و اکثریت پایگاه مردمی آن در برابر «رژیمی که مردمش را سلاخی می‌کند»، از «انقلاب سوریه» حمایت کردند.

این به سال ۲۰۱۱ برمی‌گردد، زمانی که بهار عربی کمک کرد تا اخوان المسلمین و شاخه‌های وابسته به آن در مصر و تونس به قدرت برسند و راه را برای اپوزیسیون مسلح سوری وابسته به اخوان المسلمین جهت تسلط به حومه دمشق هموار سازند.

اما تنها چهار سال بعد (۲۰۱۵)، تصویر کاملاً به عکس شد: محمد مرسی مصر در یک کودتای نظامی تحت حمایت امارات خلیج فارس برکنار شد. قیس سعید رئیس‌جمهور تونس با مخالفت علیه حزب النهضة اخوان، آن را به طور کامل از صحنه سیاسی حذف کرد. و دمشق به تدریج کنترل مناطق حیاتی سوریه را به دست گرفت. در ادامه و در منطقه‌ای وسیع‌تر، رژیم عمرالبشیر در سودان سقوط کرد و نفوذ اخوان المسلمین در لیبیا، یمن، اردن و کویت به شدت کاهش یافت.

رهبری جدید، یک جهت جدید

واضح بود که این تغییرات مهم در سطح منطقه، برای بازتاب صحنه سیاسی جدید، تغییر در رهبری حماس را نیز اجتناب‌ناپذیر می‌کند. در سال ۲۰۱۷، اسماعیل هنیه به‌عنوان رئیس دفتر سیاسی حماس منصوب شد، در حالی که در همان سال یحیی السینوار که در سال ۲۰۱۱ از زندان‌های اسرائیل آزاد گردید، رهبر جنبش غزه شد. سینوار که او را مبارزی جنگ‌طلب می‌بینند، بر حمایت مطلق شاخه نظامی جنبش، گردان‌های القسام، تکیه و به این ترتیب، رویکرد سیاسی جدیدی را به روابط منطقه‌ای حماس ارائه می‌کند. اگرچه اولین اقدام سینوار، پس از چهار سال بیگانگی، سازماندهی مجدد روابط با قاهره بود، اما مهم‌ترین تغییر او احیای روابط حماس با محور مقاومت بود و آن را به اولویت اصلی سیاست خارجی جنبش تبدیل کرد.

در عرض چند سال، رهبر حماس در غزه روابط کامل خود را با ایران و حزب‌الله برقرار کرد، اما بازگشت آن به دمشق همچنان بزرگترین مانع است. برای آب کردن یخ با سوریه، ابتداء ایران، حزب‌الله، جهاد اسلامی فلسطین (PIJ) و اخیراً جبهه مردمی برای آزادی فلسطین (PFLP) میانجی‌گری کردند. این بن‌بست تا پس از عملیات حماس «شمشیر اورشلیم» در ماه مه ۲۰۲۱ شکسته نشد.

آزمایش آب‌ها

در همان ماه، بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه به تبریک گردان‌های القسام که توسط زیاد النخاله، دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین PIJ ارسال شده بود، با سلامی پاسخ داد. پس از آن، تماس‌ها بین مقامات سوری و رهبران حماس افزایش یافت.

منابع سوری به The Cradle اطلاع دادند که یک سال پیش تصمیم گرفته شد که «تدابیر امنیتی علیه تعدادی از اعضای حماس در سوریه کاهش یابد، تعدادی از بازداشت‌شدگان آزاد شوند و سرنوشت سایر مفقودان فاش شود». اما این امر نیز روابط بین سوریه و حماس را به حالت عادی نرساند. به‌نظر می‌رسد در حماس کسانی هستند که در امر پیشرفت مناسبات با دمشق خرابکاری می‌کنند.

برای درک پویایی این رابطه خاص - حال و آینده آن - لازم است مراحل آن را در طول سال‌ها مرور کنیم.

از عمان* تا دمشق

حماس در اوایل دهه ۱۹۹۰ راه را برای روابط خود با سوریه از طریق دیدارهایی که موسی ابومرزوق انجام داد، هموار کرد. در سال ۱۹۹۲ مصطفی اللداوی به‌عنوان رئیس دفتر غیررسمی حماس در دمشق منصوب شد. جهش بزرگ با سفر مؤسس حماس، مرحوم شیخ احمد یاسین، به دمشق در سال ۱۹۹۸ رخ داد. این دیدار رسمی و استقبال گرم از یاسین، پیشرفت بزرگی در روابط بین سوریه و حماس ایجاد کرد و پس از آن حافظ آل اسد، رئیس‌جمهور فقید، مجوز حضور رسمی حماس در سوریه را صادر و امکانات سیاسی و امنیتی و پشتیبانی لجستیکی و مادی برای آن فراهم ساخت.

علی‌رغم سابقه دشمنی قبلی بین دمشق و اخوان المسلمین سوریه، به‌ویژه در رابطه با کشتار حماه در سال ۱۹۸۲، برای همکاری دولت سوریه و حماس، چندین دلیل محتاطانه وجود داشت. یکی از دلایل را می‌توان در رقابت بین حافظ اسد و یاسر عرفات، رئیس فقید سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) جست و جو کرد که در «جنگ خلیج» (۱۹۹۱ - ۱۹۹۰) پس از تهاجم عراق به کویت در ۲ اگست سال ۱۹۹۰، در کنار صدام حسین رئیس‌جمهور فقید عراق قرار گرفت.

در ۲۱ نومبر ۱۹۹۹، هواپیمای حامل خالد مشعل، رئیس وقت دفتر سیاسی حماس، پس از اخراج از اردن و پذیرفته نشدن از سوی بسیاری از کشورهای عرب، در فرودگاه دمشق فرود آمد. از آن زمان، تعدادی از اعضای دفتر سیاسی به دمشق نقل مکان کردند و فعالیت‌های حماس در سوریه تشدید شد. بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰، این رابطه به دلیل چندین رویداد، از جمله حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، خروج ارتش سوریه در سال ۲۰۰۵ از لبنان، جنگ جولای ۲۰۰۶ بین اسرائیل و حزب‌الله و مهم‌تر از همه، تجاوز اسرائیل به غزه در سال ۲۰۰۸ تقویت شد.

حمایت سوریه

محمود الزهار، یکی از مقامات حماس، که با The Cradle در غزه مصاحبه کرده بود، در مورد جزئیات مهمی صحبت می‌کند که رسانه‌ها در آن زمان به آن اشاره نکردند. هنگامی که حماس در سال ۲۰۰۷ اولین دولت خود را در غزه تشکیل داد، که در آن زهار وزیر امور خارجه بود، «سوریه تنها کشور عربی بود که پاسپورت قرمز دیپلماتیک صادرشده از غزه را به رسمیت شناخت.»

زهار می‌گوید: «رهبری سوریه همه چیز را به ما داد. در اولین سفرم به دمشق، توانستیم مشکل صدها پناهنده فلسطینی را که در مرزهای سوریه و عراق گیر افتاده بودند، حل کنیم و سوریه کد فراخوان فلسطینی (+۹۷۰) را

پذیرفت و آمادگی خود را برای حمایت از دولت منتخب فلسطین اعلام کرد. برای آن هم، با جنگ عربی، بین‌المللی و امریکائی مواجه شد.»

امروز، زاهر مقام منصوب‌شده‌ای است که از سوی سینوار مأموریت یافته است تا روابط با دمشق را احیاء کند. این را منابعی در حماس تأیید کردند و گفتند که او برای زیارت حج به مکه سفر کرده و ممکن است از آنجا به دمشق برود. این جزئیات معنادار است: این بدان معناست که بدین ترتیب مصر از سرزنش شدن به‌خاطر اجازه سفر به زاهر به سوریه، در امان می‌ماند و از موقعیت ناخوشایند قاهره در مقابل ایالات متحده، اسرائیلی‌ها و اعراب خلیج [فارس]، جلوگیری می‌شود.

از دمشق تا دوحه و انقره

بحران سوریه که در مارچ ۲۰۱۱ آغاز شد، حماس را در یک قید منحصر به‌فرد خود قرار داد. برای مثال، اسلام‌گرایان فلسطینی در جهاد اسلامی فلسطین PIJ، از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ در قبال «انقلاب» در سوریه، موضع رادیکالی اتخاذ نکردند و اگرچه رهبری سیاسی و نظامی آن به دلیل وخامت شرایط امنیتی به بیروت منتقل شد، به حفظ دفاتر خود در دمشق بسنده کردند.

از سوی دیگر، حماس اولین بیانیۀ خود را در رابطه با بحران سوریه در ۲ اپریل ۲۰۱۱ صادر کرد که در آن حمایت خود از مردم و رهبری سوریه را تأیید کرد و گفت: «امور داخلی سوریه مربوط به برادران سوریه است ... ما امیدواریم در شرایط کنونی برادران سوری بتوانند در دستیابی به خواسته‌های مردم سوریه و حفظ ثبات و انسجام داخلی کشور و تقویت نقش آن، بر خطر رویارویی و مخالفت، غلبه کنند.»

این بیانیۀ واهی، موضع خصمانۀ اعضاء و نخبگان جنبش حماس را که همگی روایت ضد سوری را اتخاذ کردند، پنهان نکرد. در ۵ نومبر ۲۰۱۱، نیروهای امنیتی سوریه به دفاتر حماس یورش بردند، دارائی‌های آن را مصادره و آنها را بستند.

در اوایل سال ۲۰۱۲، مشعل قبل از برگزاری یک جلسۀ برنامه‌ریزی شده با بشار اسد، به دوحه قطر سفر کرد. حماس اعلام کرد که این جلسۀ «مفید نخواهد بود».

حماس و مخالفان

در ۸ دسمبر ۲۰۱۲، هنگامی که مشعل و هنیه در جشنی که به‌مناسبت آغاز حرکت این جنبش در نوار غزه در حضور ده‌ها هزار نفر از هواداران خود پرچم «انقلاب سوریه» را به اهتزاز درآوردند، جنبش حماس در ۸ دسمبر ۲۰۱۲، پشت سر خود تمامی پل‌ها را با دمشق خراب کرد. در رژه ای که در این جشن برگزار شد، تعدادی از اعضای گردان‌های القسام بر شانه‌های خود پرچم مخالفان سوری را حمل می‌کردند.

واکنش دولت سوریه نیز کمتر از این خویشتن‌دارانه نبود. اسد حماس را از طریق حمایت از جبهه النصره وابسته به القاعده و ارائه دستورالعمل‌هایی به گروه‌های مخالف در مورد راه‌های حفر تونل‌ها و استحکام بخشیدن به آنها برای مقاومت در برابر بمباران هوایی، به مشارکت فعال در جنگ علیه دولت سوریه متهم کرد. دیگر گروه‌های شبه‌نظامی مخالف مانند بیت‌المقدس، فیلق‌الرحمن و ارتش هدی اعلام کردند که به حماس وابسته هستند.

یک بار اخوانی، همیشه یک اخوانی

اسد در سال ۲۰۱۶ در مصاحبه‌ای با روزنامه‌الوطن سوریه گفت: ما از حماس حمایت کردیم نه به این دلیل که آنها اخوان‌المسلمین هستند، بلکه به این دلیل از آنها پشتیبانی کردیم که جنبش مقاومت هستند. در نهایت ثابت شد که یک اخوانی (عضو اخوان‌المسلمین) در هر سمتی که قرار گیرد، یک اخوانی است و از درون تروریست و منافق باقی می‌ماند.

همه اینها ممکن است مربوط به گذشته به‌نظر برسد، اما همچنان بر شکل‌گیری روابط جدید بین دو حزب تأثیر می‌گذارد، به‌ویژه پس از بازگشت یک سال پیش مشعل و تیمش به سمت‌های مهم رهبری در حماس. اگرچه اکثریت رهبری جنبش تغییر کرده است، اما میراث قدیمی مشعل همچنان بر همه، به‌ویژه در دمشق سنگینی می‌کند. بسیاری در سوریه هستند که هنوز هشدار می‌دهند «زخم باز است». حماس هنوز آن زخم را نبسته است، بلکه خواهان «بازگشت آزاد» است.

شناخت ساختار حماس

قبل از توضیح تصمیم اخیر حماس برای ترمیم روابط با سوریه، لازم است بدانیم این جنبش چگونه اداره می‌شود تا از نمایندگی و پاسخگویی آن اطمینان حاصل شود. حماس شورائی متشکل از ۱۵ عضو است که طی انتخاباتی برگزیده می‌شوند که در آن کادرهایی از رده‌های سازمانی خاص شرکت دارند. این کادرها نمایندگان خود را در شوراهای مشورتی محلی از مناطق مختلف (کرانه باختری، غزه، بیت‌المقدس، سرزمین‌های اشغال شده در سال ۱۹۴۸ و زندان‌ها) انتخاب می‌کنند. در مورد اعضای پایگاه حماس، آنها نمایندگان خود را در شورای مشورتی عمومی انتخاب می‌کنند که به‌نوبه خود دفتر سیاسی را انتخاب می‌کند. با وجود این «دموکراسی سالم»، موضع در قبال سوریه دو جریان متناقض به‌وجود آورد:

جریان اول توسط مشعل رهبری می‌شود که تا سال ۲۰۱۷ رئیس دفتر سیاسی بود. این جریان شامل احمد یوسف، مشاور سابق هنیه و نایف رجوب، یکی از برجسته‌ترین رهبران حماس در کرانه باختری است.

جریان دوم رهبر مشخصی ندارد، اما زهار قبل از پیوستن سنوار به آن چهره عمومی بود.

در بین این دو دیدگاه، اسماعیل هنیه و موسی ابومرزوق با موضع‌گیری میانی بین محور قطر - ترکیه و محور مقاومت، وضعیت «عمل‌گرایی» را حفظ می‌کنند.

اگرچه تصمیم خروج از سوریه با تأیید کامل اعضای مجلس شورا و اعضای دفتر سیاسی گرفته شد، اما تمامی بار این تصمیم بر دوش مشعل بود. این مرد که از دوستان شخصی اسد و دبیرکل حزب‌الله، حسن نصرالله بود، در لیست سیاه محور مقاومت قرار گرفت.

نفوذ مشعل

تا زمانی که مشعل در رأس جنبش قرار داشت، تمام تلاش‌های قبلی برای بازگرداندن روابط بین حماس و سوریه فقط «اتلاف وقت» بود. این نه‌تنها نظر مردم سوریه، بلکه نظر بسیاری از ایرانیان نیز همین بود. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۱۵، زمانی که رسانه‌ها مطالبی در مورد تلاش برای احیای روابط حماس و سوریه منتشر کردند، وبسایت ایرانی تابناک (با نظارت سرلشکر محسن رضائی، از رهبران سپاه پاسداران و در حال حاضر یکی از مشاوران رهبر انقلاب علی خامنه‌ای) با حمله شدید به مشعل راه‌اندازی شد.

مشعل در آن زمان از حضور در تهران در صورت عدم استقبال در بالاترین سطوح - یعنی دیدار خاص با خامنه‌ای - خودداری کرده بود. تارنمای تابناک نوشت: مشعل و رهبران حماس دو سال پیش در کنار تروریست‌های بین‌المللی در سوریه صف‌آرایی کردند و اکنون شرایطی را برای احیای روابط حماس و ایران می‌گذارند که گویی ایران هیچ شرطی ندارد.

از آن زمان، مشعل و تیمش بشدت تمایلی به صحبت در مورد احیای روابط با دمشق ندارند. آنها علاوه بر وفاداری (تا حدی) به ترکیه و قطر، آگاه بودند که احیای روابط باعث تضعیف موقعیت سازمانی آنها در حماس و افزایش نفوذ رقبای آنها می‌شود. از سوی دیگر، این رقباء تا سال ۲۰۱۷ ضعیف باقی ماندند، زیرا مشعل موفق شد محمود الزهار را که به هیچ‌مقام مؤثری دست نیافت، به حاشیه بکشاند.

پیوستن مجدد به محور مقاومت

تشکیل دفتر سیاسی جدید به این معنی بود که اکنون تعداد زیادی از مقاماتی حضور دارند که در مواضع عمومی خود در مورد بحران سوریه هیچ‌گونه دخالتی نداشته‌اند - مانند سنوار، صالح العاروری و اسامه حمدان که رابطه متعادلی با همه طرف‌ها داشته و دارند.

زهار به The Cradle گفت که سینوار به تره‌هایش درباره شکل «آخرین نبرد با اسرائیل» «متقاعد شده است». وی افزود: «من مدت‌ها با ابو ابراهیم (سینوار) در مورد بازگرداندن پیوند با اجزای ملتی که با اسرائیل دشمنی دارند به‌ویژه حزب‌الله، سوریه و ایران صحبت کردم و این ستون سیاست خارجی حماس در آینده است». با این وجود، زهار معتقد است که دمشق «از برخورد با رهبری جنبش که در زمان جنگ سوریه مسئولیت را برعهده داشت، خودداری خواهد کرد.» اما این احتمال وجود دارد که سوری‌ها بپذیرند که با شخص او برخوردی داشته باشند که او در سفر آتی خود به‌دنبال آن خواهد بود.

بعد چه می‌شود؟

منابع آگاه در حماس به The Cradle فاش کردند که دفتر سیاسی این جنبش در ماه جاری تشکیل جلسه داد و علی‌رغم مخالفت مشعل تصمیم به بازگشت به سوریه گرفت.

این قطعنامه دو هدف دارد: اول، ایجاد جبهه مقاومت در «کشورهای حلقه» اطراف فلسطین. و دوم، ایجاد یک خط ارتباطی بحری بین غزه و بندر لاذقیه در سوریه. این منابع همچنین فاش کردند که جمیل مزهر که اخیراً به عنوان معاون دبیرکل حزب آزادی خلق انتخاب شده است، پیامی از سوی سینوار به رهبری سوریه ابلاغ کرده و خواستار احیای روابط بین دو حزب شده است.

مزهر پس از سفر به دمشق با هنیه در بیروت دیدار کرد تا نتایج را بررسی کند. هنیه همچنین با نصرالله و نیز زیاد النخاله در جلسه گسترده رهبران حماس و جهاد اسلامی فلسطین در پایتخت لبنان دیدار کرد. همه این اتفاقات در یک هفته رخ داد.

به گفته منابع حماس، هنیه به نصرالله اطلاع داده است که جنبش به اتفاق آراء تصمیم رسمی برای بازگرداندن روابط با دمشق گرفته است. دو طرف همچنین در مورد تعیین مرز بحری بین لبنان و اسرائیل مذاکره کردند. این منابع تأیید می‌کنند که حماس آماده است تا در صورت هدف قرار دادن یک کشتی اکتشافی و استخراج در میدان کاریش Karish field توسط حزب‌الله، سکوهای سرقت گاز از بحیره غزه را به‌طور همزمان هدف قرار دهد.

منابع حماس و همچنین یک منبع آگاه سوری، هر گونه دیدارهای اخیر میان دو طرف را تکذیب کردند. این منبع سوری فاش می‌کند که سال گذشته جلساتی با حمایت جهاد اسلامی برگزار شد.

سوریه چه چیزی به دست خواهد آورد؟

از سوی دیگر، دمشق دلایل خود را برای به تعویق انداختن بازگشت این رابطه دارد. البته اگر خود بشار اسد تصمیم بگیرد می‌توان از دلایل داخلی چشم‌پوشی کرد. اما این وضعیت کنونی منطقه و شکل‌گیری مجدد اتحادها است که بیش از همه رهبران سوریه را نگران می‌کند.

درست است که اسد پسر نیز مانند پدرش در برخورد با این و آن فوت و فن را آموخته است، اما اکنون دیگر نیازی به سردرد جدید ناشی از بازگشت حماس را ندارد. این بازگشت سود زیادی ندارد مگر در یک مورد: عادی‌سازی روابط سوریه با ترکیه، قطر یا هر دو.

با شرایط سوریه

فقط در چنین سناریویی است که می‌توان پل‌ها را با حماس دوباره ساخت. اما شرایط برای این امر در حال حاضر ناپخته است، زیرا این عادی‌سازی به قیمت روابط سوریه با متحدش روسیه خواهد بود، چه در بحث گازرسانی به اروپا و چه در توقف عملیات نظامی که انقره در شمال سوریه علیه تروریست‌های کُرد تهدید می‌کند.

سوریه که قبلاً روابط خود را با امارات بهبود بخشیده است و در حال حاضر نیز برای بهبود روابط خود با عربستان سعودی و اردن تلاش می‌کند، اکنون «کارت باخت» را در دسته کارت‌های خود قرار نخواهد داد. همچنین با مصر بر سر پرونده‌ای - رابطه با حماس - که قاهره آن را در منطقه در انحصار خود می‌داند، رقابت نخواهد کرد.

همچنین دمشق با تشکیلات خودگردان فلسطین و جنبش فتح که از خروج حماس برای تحکیم موقعیت خود در پایتخت سوریه و بهبود روابط خود با اسد سوءاستفاده کردند، درگیر هیچ‌گونه درگیری نخواهد شد.

با این حال، زمانی که خبر از سرگیری احتمالی روابط حماس و سوریه منتشر شد، این بار دمشق حمله‌ای به جنبش انجام نداد و در مورد اخبار نزدیک شدن و احیای روابط - مانند گذشته - اظهار نظر منفی نکرد.

شکی نیست که نبرد «شمشیر اورشلیم» و حضور رهبری جدید در دفتر سیاسی حماس یخ‌های روابط را به میزان قابل توجهی آب کرده است. اما پاسخ به این که چه زمانی نزدیکی کامل حاصل می‌شود، تصمیمی است که احتمالاً بین اسد و نصرالله گرفته خواهد شد.

<https://thecradle.co/Article/Investigations/۱۲۴۷۰> *

۰۲ مرداد- اسد- ۱۴۰۱

* - پایتخت اردن را آنهایی که از زبانهای اروپایی Amman می‌آورند با بی‌دقتی به املائی عربی آن "امان" می‌نویسند. - پورتال-